

# درس چهارم زبان انگلیسی

## پایه دهم

"جهت مطالعه در تعطیلات کرونایی و نوروزی"

تألیف و گردآوری:

# جمال احمدی

دیر دبیرستانهای شهرستان بوکان

موبایل: ۰۹۱۴۱۸۰۰۳۱۰

اسفند ۹۸

## *Lesson Four:*

# *“Traveling the World”*

## سفر در دنیا

Say: Travel through the Earth and see how Allah did originate creation.

“ Al-Ankabut 20”

بگو: در زمین به سیر و سیاحت پردازید و در خلقت موجودات و اشیاء تفکر کنید و بنگرید که خداوند چگونه خلقت را آغاز نموده است.  
"سوره عنكبوت ، آیه ۲۰"

<b>Words</b>	<b>Persian Meanings</b>	<b>Words</b>	<b>Persian Meanings</b>
across	در امتداد - از وسط	cultural	فرهنگی
add	اضافه کردن	culture	فرهنگ
adverb	قید، عبارت قیدی	desert	بیابان - ترک کردن
air	هوا	destination	مقصد - سرنوشت، تقدیر
air ticket	بلیط هوایی	distance	فاصله - مسافت
ancient	باستانی، قدیمی	distant	دور، دور دست
arrive	وارد شدن - رسیدن	domestic	داخلی - اهلی، خانگی
a set of	یک مجموعه از	dress	لباس زنانه - به تن کردن
attract	جذب کردن، جلب کردن	education	آموزش - تحصیل
attraction	جاذبه	educated	با سواد، تحصیل کرده
attractive	جذاب	Egypt	کشور مصر
author	نویسنده	Egyptian	مصری - اهل کشور مصر
baggage	وسایل سفر - چمدان	embassy	سفارت، سفارتخانه
behavior	رفتار	emphasis	تأکید
be located	واقع شده	emphases	تأکید کردن
billion	میلیارد	entertainment	سرگرمی
boat	قایق	especially	مخصوصاً، به ویژه
booklet	دفترچه، کتابچه، جزوه	exactly	دقیقاً
bravely	شجاعانه - دلیرانه	experienced	با تجربه
bravery	شجاعت، دلیری	fall	پائیز - افتادن، سقوط کردن
burning	در حال سوختن	familiar	آشنا
camel	شتر	feed	غذا دادن به
carelessly	با بی دقتی	feel	احساس کردن
ceremony	جشن	find (found)	پیدا کردن - یافتن
Chile	کشور شیلی	finish	پایان دادن
choice	انتخاب	flight	پرواز
choose	انتخاب کردن	foreign (adj)	خارجی، بیگانه - نامناسب، ناجور
come back	برگشتن	foreigner (n)	بیگانه، اجنبی، غریبه، خارجی
comfortable	راحت، آسوده	forget	فراموش کردن
considering	با توجه به - با در نظر گرفتن	forgetful	فراموشی
continent	قاره	four - season	چهار فصل
contrast	مقایسه کردن - سنجیدن	garden	باغ، باغچه
contrastive	متضاد گونه - دارای تضاد، مقایسه ای	generous	سخاوتمند، بخشنده
cruel	ظالم، ستمگر	guess	حس زدن
cruelly	ظالمانه، بی رحمانه	guest	مهمان - مهمان کردن، مسکن گزیدن
cruelty	بی رحمی، ظلم، ستم، بیداد	historical	تاریخی

## لغات مهم درس چهارم پایه دهم *Key Words of Vision One (Lesson Four)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
hit	زدن - ضربه زدن	north	شمال
holiday	تعطیلی	obligation	اجبار
holy	مقدس، پاک	offline	خارج از خط (اینترنت)
home - made	خانگی	organization	سازمان
honest	صادق، درستکار	own	مال خود - صاحب بودن، داشتن
honestly	صادقانه	page	صفحه، برگ
hospitable	مهمان نواز	paradise	بهشت
host	میزبان، صاحب خانه - مجری	passport	پاسپورت، گذرنامه، اجاره مسافرت
illness	بیماری، ناخوشی	patiently	صبورانه - با شکیبایی
image	تصور، تصویر، عکس	phrase	عبارت
in fact	در حقیقت	pilgrim	زائر، مسافر (مذهبی)
in front of	روبروی، در جلوی	point	نکته - نقطه - امتیاز، نمره
inside	داخل	poor	فقیر - بیچاره
international	بین المللی	popular	محبوب، پر طرفدار
journey	سفر، مسافرت، سیاحت	popularity	محبوبیت
junk food	غذای بی ارزش، هله هوله	possibility	امکان - احتمال
Korean	کره ای، اهل کشور کره	possibly	شاید، احتمالاً
language	زبان (فارسی، انگلیسی و...)	prefer	ترجیح دادن
learn about	مطلع شدن درباره، یادگرفتن درباره	prepare	آماده کردن
lift	بلند کردن، بالا بردن - آسانسور	preposition	حرف اضافه
local	محلی، بومی	price	قیمت، بها، نرخ
loud	بلند (برای صدا)	prize	جایزه، پاداش
main	عمده، اصلی، اساسی	probable	ممکن، احتمالی
mainly	عمدتاً، اساساً	probably	احتمالاً، شاید
manner	حالت، شیوه، روش	pyramid	هرم
may	ممکن بودن، احتمال داشتن	range	حدود، محدوده، دسته، طیف
meal	وعده غذایی	ready	آماده، مهیا، حاضر
means	وسیله، ابزار	relating to	مربوط به، در ارتباط با
member	عضو	relation	رابطه، ارتباط
might	احتمال، ممکن بودن	respect	احترام، احترام گذاشتن
ministry	وزارت	respected	محترم، آبرومند
mostly	عمدتاً، اساساً	rest	استراحت کردن - بقیه (با حرف تعریف the)
most often	غالباً - اکثراً	risk	خطر، ریسک، خطر کردن
neatly	به طور مرتب - آراسته	road	جاده - خیابان
next to	کنار، نزدیک	role	نقش، وظیفه - بخش - طومار
nobody = no one	هیچ کسی	rule	قاعده، قانون

## لغات مهم درس چهارم پایه دهم *Key Words of Vision One (Lesson Four)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
safe	ایمن، بی خطر	take time	زمان بردن، طول کشیدن
save	نجات دادن، ذخیره کردن	tour	سفر تفریحی، گردش، اردو
search	جستجو کردن	tourist	گردشگر، توریست
seem	به نظر رسیدن	tourism	گردشگری، توریسم
sell (sold)	فروختن	town	شهر، شهرک
shrine	آرامگاه - مرقد	travel	سفر، مسافرت
should	باید، بهتره	travel agency	آژانس مسافرتی
similar	مشابه، مانند	travel agent	صاحب آژانس مسافرتی
sick	بیمار، مریض	traveler	مسافر
smoke	دود - سیگار کشیدن	tradition	سنت، آئین، رسم
solve	حل کردن	traditional	سنتی، قدیمی
south	جنوب	transportation	حمل و نقل
souvenir	سوغاتی، یادگاری	understand	فهمیدن، درک کردن
speed	سرعت - سبقت گرفتن	vacation	تعطیلی
spend (spent)	خرج کردن - سپری کردن	vegetables	سبزیجات
stand	ایستادن	wake up	از خواب بیدار شدن
station	ایستگاه	wall	دیوار
stick	چسپیدن، چسپاندن	war	جنگ، درگیری، نزاع
suggest	پیشنهاد دادن	well	خوب، به خوبی - چاه، چاله، چشمه
suggestion	پیشنهاد	waste	هدر دادن، تلف کردن - آشغال، زباله
suitable	مناسب، شایسته	wide	گسترده، وسیع، عریض
suitably	به طور مناسب	wind	باد
sunset	غروب آفتاب	windy	طوفانی، بادی
sunrise	طلوع آفتاب	winter	زمستان

### Notes:

---



---



---



---



---



---



---

## Conversation (Student Book Page 102)

'Diego' is a Spanish tourist who is planning for his summer vacation. He is talking to "Carlos Sabato", a travel agent in Madrid.

"دیگو" یک گردشگر اسپانیایی است که داره برای تعطیلات تابستانی برنامه ریزی میکنه و در حال صحبت کردن با "کارلوس ساباتو" میباشه که صاحب یک آژانس مسافرتی در شهر "مادرید" است.

**Diego:** Excuse me, sir! I am planning for my summer vacation.

**دیگو:** ببخشید آقا من در حال برنامه ریزی کردن برای تعطیلات تابستانم هستم.

**Carlos:** How can I help you?

**کارلوس:** چطور میتوانم کمکت کنم؟

**Diego:** Actually, I want to visit Asia, but I am not sure about my destination. Do you have any suggestion?

**دیگو:** در واقع من میخواهم از قاره آسیا بازدید کنم، اما درباره مقصد مطمئن نیستم آیا هیچ پیشنهادی دارید؟

**Carlos:** Well, you may have some choices. You can visit China. It's famous for the Great Wall.

**کارلوس:** بله تو احتمالا چند انتخاب داشته باشی، میتوانی از کشور "چین" بازدید کنی که به "دیوار بزرگش" معروف است.

**Diego:** Yes, but I was in Beijing two years ago.

**دیگو:** بله اما من دو سال پیش در شهر "پکن" بودم.

**Carlos:** What about India? In fact, the Taj Mahal is a popular destination, but it is hot in summer. Probably Iran is the best choice.

**کارلوس:** هند چطوره؟ در واقع تاج محل یک مقصد پر طرفداریه اما در تابستان گرم است. شاید ایران بهترین انتخاب باشه.

**Diego:** I heard Iran is a great and beautiful country, but I don't know much about it.

**دیگو:** من شنیده ام ایران یک کشور بزرگ و زیبا است. اما من زیاد در موردش نمی دانم.

**Carlos:** Well, Iran is a four-season country. It has many historical sites and amazing nature. Also, its people are very kind and hospitable.

**کارلوس:** خوب. ایران یک کشور چهار فصل است که مکان های تاریخی و طبیعت جذاب و شگفت انگیز داشته و همچنین مردمش بسیار مهربان و مهمان نواز اند.

**Diego:** It seems a suitable choice. But how can I get more information about Iran?

**دیگو:** به نظر می آید انتخاب مناسبی باشد. اما من چطور می توانم در مورد ایران اطلاعات بیشتری کسب کنم؟

**Carlos:** You can check this booklet or may see our website.

**کارلوس:** تو می توانی این کتابچه راهنما را بررسی کنی یا میتوانی از وبسایت ما دیدن نمایی.

## Iran: A True Paradise

## ایران، یک بهشت واقعی

Every year, about one billion tourists travel around the world. Tourism is traveling for entertainment, health, sport or learning about the culture of a nation. Tourism can be domestic or international. Domestic tourists travel to different parts of their own country. International tourists travel abroad.

هر ساله حدود یک میلیارد توریست به دور دنیا مسافرت میکند. توریست ها برای سرگرمی، سلامتی و ورزش یا برای یاد گیری فرهنگ یک ملت، مسافرت میکنند. گردشگری میتواند داخلی یا بین المللی باشد. توریست های بومی به مکان های مختلف کشورشان مسافرت می کنند. توریست های بین المللی به خارج از کشور مسافرت می کنند.

Some countries attract a lot of tourists every year. Egypt is one of the oldest countries of Africa. It is famous for its wonderful pyramids.

تعدادی از کشور ها همه ساله توریست های زیادی را جذب می کنند. مصر یکی از قدیمی ترین کشور های آفریقا است که به خاطر هرم های شگفت انگیزش معروف است.

France, Italy and Spain are three beautiful European countries. They attract many tourists from other parts of the world. Brazil, Peru and Chile are in South America. They are famous for their ancient history and amazing nature.

فرانسه ایتالیا و اسپانیا سه کشور زیبای اروپایی هستند. آنها گردشگر های زیادی را از جاهای مختلف دنیا جذب میکنند. برزیل، پرو و شیلی در آمریکای جنوبی هستند. آنها برای تاریخ باستانی و طبیعت جذاب و شگفت انگیزشان معروف هستند.

In Asia, Iran is a great destination for tourists. This beautiful country is a true paradise for people of the world. Each year, many people from all parts of the world visit Iran's attractions. Iran is a four- season country and tourists can find a range of activities from skiing to desert touring in different parts of the country. Many Muslims also travel to Iran and go to holy shrines in Mashhad, Qom and Shiraz. Iranian people are hospitable and kind to travelers and tourists.

در آسیا ایران یک مقصد خوب و عالی برای توریست ها هست. این کشور زیبا برای مردم جهان درست مثل بهشت واقعی است. هر ساله بسیاری از مردم نقاط مختلف دنیا از جاذبه های ایران دیدن میکنند. ایران یک کشور چهار فصل است و توریست ها می توانند طیفی از فعالیت ها از اسکی تا صحرا نوردی را در بخش های مختلف کشور پیدا کنند. بسیاری از مسلمانان به ایران مسافرت می کنند و به حرم های مقدس در مشهد، قم و شیراز می روند. مردم ایران با مسافران و توریست ها مهربان و مهمان نواز هستند.

## گرامر درس چهارم: افعال ناقص یا وجهی *Modals*

معنی	شکل سوم	شکل دوم	شکل اول
توانستن	-	could	can
ممکن بودن	-	might	may
باید، بهتره	-	-	should
باید	-	-	must
خواستن	-	would	will

این دسته از افعال تمامی ویژگیهای سایر افعال دیگر را دارا نمیباشند و خود دارای ویژگیهای منحصر به فرد زیر میباشند:

۱) این افعال هرگز علامت مصدری *to*، *ing* استمرار، *ed* برای زمان گذشته و *s* سوم شخص مفرد نمیگیرند و همیشه در جمله بصورت **شکل ساده** (مصدر بدون *to*) بکار برده میشوند.

۲) بعد از افعال ناقص، فعل همواره به صورت **شکل ساده** (مصدر بدون *to*) می آید.

۳) افعال ناقص همانند افعال کمکی در جمله بکار میروند یعنی ما بین فاعل و فعل اصلی جمله میآیند.

۴) هر گاه جمله ای داشته باشیم که در آن یک فعل ناقص بکار رفته باشد، برای سؤالی کردن آن جمله فعل ناقص را به قبل از فاعل انتقال میدهیم و برای منفی کردن بعد از آن فعل ناقص قید منفی ساز *not* و یا مخفف آن یعنی *n't* را اضافه میکنیم.

۵) این افعال شکل سوم فعل (*p.p.*) ندارند.

### موارد کاربرد فعل ناقص "can":

الف- توانایی انجام کار یا عملی در زمان حال یا آینده:

I **can speak** French.

"من میتوانم فرانسوی را صحبت کنم."

She **can swim** well.

"او به خوبی میتواند شنا کند."

ب- درخواست و اجازه انجام کار یا عملی :

**Can you help** me lift this box?

"میتوانی بهم کمک کنی که این جعبه را بردارم."

You **can stop** work early today.

"تو میتوانی امروز کارت را زودتر متوقف کنی."

A: "Can I **use** your car?"

"میتوانم از ماشینت استفاده کنم؟"

نکته ۱: "can" و "be able to" به معنی "قادر بودن" برای توانایی انجام کار بکار می روند. در برخی موارد به جای یکدیگر بکار میروند. بعد از ساختار *be able to* هم شکل ساده فعل میآید:

She **can speak** English well.

"او میتواند انگلیسی را به خوبی صحبت کند."

She **is able to speak** English well.

"او قادر است که انگلیسی را به خوبی صحبت کند."

نکته ۲: شکل گذشته این فعل ناقص، **could** میباشد که توانایی انجام کار در گذشته را نشان میدهد.

When I was a child, I **could** climb the trees easily.

"وقتی که بچه بودم به راحتی از درختان بالا میرفتم."



## موارد کاربرد فعل ناقص "May":

الف- برای بیان احتمال کار یا عملی در زمان حال یا آینده:

It **may rain** tomorrow.

"فردا احتمال داره باران بباره."

It **may be** late, so don't wait for me.

"احتمالاً دیر بشه، پس منتظر من نشو."

ب- اجازه انجام کار یا عملی (بیشتر در سبک رسمی):

**May I use** your cellphone?

"ممکنه از موبالیت استفاده کنم؟"

**May I leave** the classroom?

"ممکنه کلاس را ترک کنم؟"

نکته ۱: شکل گذشته این فعل ناقص، **might** میباشد که احتمال انجام کار در گذشته را نشان میدهد.

## موارد کاربرد فعل ناقص "Should":

الف- برای بیان نصیحت، پیشنهاد، توصیه و بهتر بودن انجام کار یا عملی:

You look tired. You **should go** to bed.

"به نظر خسته میرسی. بهتره بری بخوابی."

The government **should help** poor people.

"حکومت باید به افراد فقیر کمک کند."

ب- برای بیان انجام وظیفه و مسئولیت:

You **should visit** your parents more than this.

"تو بهتره بیشتر از این از والدینت دیدن کنی."

He **shouldn't waste** your money.

"تو نباید پولت را هدر بدی."

نکته ۱ (زبان تخصصی): عبارت (**had better = 'd better**) موقعی استفاده می شود که فرد، چیزی را که مطلوب و دلخواه

باشد را انجام ندهد، نتایج و تاثیرات منفی خواهد داشت.

It's five o'clock. I **had better go** now before the traffic gets too heavy.

"ساعت ۵ است. بهتره الان بروم تا قبل از اینکه ترافیک خیلی شدید بشود."

نکته ۲ (زبان تخصصی): کلمه (**ought to**) برای چیزی که مطلوب و ایده آل باشد، به ویژه در سبک رسمی انگلیسی بریتانیا

بکار می رود.

We **ought to eat** lots of fruit and vegetables every day. "تو باید هر روزه میوه و سبزیجات زیادی بخوری."

## موارد کاربرد فعل ناقص "must":

الف- برای بیان الزام و ضرورت شدید شخصی:

I **must buy** some new clothes. My clothes are so old. "من باید لباسهای تازه بخرم. لباسهای من خیلی کهنه هستند."

ب- برای بیان استنباط و نتیجه گیری (احتمال زیاد):

Mary **must have** a problem. She keeps crying. "مری میبایستی مشکلی داشته باشه. همش داره گریه میکنه."

ج- در اطلاعیه های عمومی و علائم هشداردهنده که نشانگر قوانین، امر و نهی و ... می باشد.

You **must wash** your hands before returning to work.

"تو میبایستی دستهایت را قبل از برگشتن به سر کار بشوری."

**نکته ۱:** برای الزام بیرونی (یعنی الزام از طرف بیرون) به جای (must) از (has to , have to) به معنی "مجبور بودن" استفاده می شود. بعد از آنها هم همواره شکل ساده فعل می آید. (در این حالت have و has به معنی "داشتن" یا "خوردن" نیستند).  
از has to برای فاعلهای سوم شخص مفرد و برای سایر فاعلها از have to استفاده میشود.

I **have to wear** formal clothes. I have a new job as a teacher.

"من مجبورم لباس رسمی بپوشم. من شغل جدیدی رو به عنوان یک معلم دارم."

You **have to pass** your exam or (وگرنه) the university will not accept you.

"تو مجبوری در امتحانت قبول بشی و گرنه دانشگاه تو را اخراج خواهد کرد."

**نکته ۲:** فعل ناقص must شکل گذشته ندارد و برای الزام و ضرورت به انجام کاری در گذشته از (had to) به معنی "مجبور بودن" استفاده می شود که اجبار در گذشته را نشان میدهد و شکل گذشته have to و has to میباشد.

The car broke down. We **had to get** a taxi. "ماشین خراب شد. ما مجبور شدیم تاکسی بگیریم."

When she got home, she **had to cook** dinner before everyone arrived.

"وقتی که او به خانه رسید، قبل از اینکه همه وارد شوند، مجبور بود شام پزند."

**نکته مهم ۳:** چنانچه بعد از افعال ناقص، شکلی از افعال to be بیاید آن فعل to be، فقط خود be خواهد بود.

It **may be** rain today.

"امروز احتمال داره باران بباره."

فعل ناقص

### Notes:

-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----  
-----

## حروف اضافه زمان (Preposition of Time):

کاربردهای حرف اضافه <b>in</b>	
قسمتهای مختلف	<b>in</b> the morning / <b>in</b> the afternoon / <b>in</b> the evening
ماه	<b>in</b> April / <b>in</b> January / <b>in</b> February
فصل	<b>in</b> (the) spring / <b>in</b> summer / <b>in</b> autumn / <b>in</b> winter
سال، دهه و قرن	<b>in</b> 1998 / <b>in</b> 1980s / <b>in</b> 18 <sup>th</sup> century
مناسبت ها	<b>in</b> Norooz

❖ برخی از کاربردهای دیگر (**in**) برای زمان در کتاب های درسی و در حد کنکور:

**in** a week                      "در یک هفته"                      **in** the past                      "در گذشته"  
**in** a few minutes              "در چند دقیقه"                      **in** the future                      در آینده

کاربردهای حرف اضافه <b>on</b>	
روز	<b>on</b> Sunday / <b>on</b> Saturday
تاریخ	<b>on</b> April 18 <sup>th</sup> / <b>on</b> the first of June
قسمتی از روز با ذکر نام	<b>on</b> Tuesday evening / <b>on</b> Monday morning
تعطیلی، آخر هفته	<b>on</b> holiday / <b>on</b> vacation

کاربردهای حرف اضافه <b>at</b>	
ساعت	<b>at</b> 2 o'clock / <b>at</b> 7:45
طلوع و غروب آفتاب	<b>at</b> sunrise [طلوع آفتاب] / <b>at</b> sunset [غروب آفتاب]
ظهر و نصف روز	<b>at</b> noon / <b>at</b> midday [نیم روز]
شب و نصف شب	<b>at</b> night / <b>at</b> midnight [نیمه شب]
هنگام صرف غذا	<b>at</b> lunch / <b>at</b> dinner time
کریسمس	<b>at</b> Christmas

❖ برخی از کاربردهای دیگر (**at**) برای زمان در کتاب های درسی و در حد کنکور:

**at** present [در حال حاضر]                      **at** the moment [همین الان]  
**at** once [فوراً]                      **at** first [ابتدا]  
**at** the same time [بطور همزمان]                      **at** last [سرانجام]  
**at** the beginning [در شروع]                      **at** least [حداقل]

## حروف اضافه مکان (Preposition of Place):

کاربردهای حرف اضافه in	
روستا	<u>in</u> Dashband
شهر	<u>in</u> Rasht / <u>in</u> Tehran / <u>in</u> London
استان	<u>in</u> Mazandaran
کشور	<u>in</u> Iran / <u>in</u> the USA / <u>in</u> France
قاره	<u>in</u> Asia / <u>in</u> Africa
درون، داخل	<u>in</u> the garden / <u>in</u> my hand

❖ برخی از کاربردهای دیگر (in) برای مکان در کتابهای درسی و در حد کنکور:

<u>in</u> a village	<u>in</u> a town	<u>in</u> a city
<u>in</u> the world	<u>in</u> mountains	<u>in</u> a hurry (در عجله بودن)
<u>in</u> a forest	<u>in</u> the yard	<u>in</u> the street
<u>in</u> the river	<u>in</u> the lake [در دریاچه]	<u>in</u> the sea
<u>in</u> ocean [در اقیانوس]	<u>in</u> bed	<u>in</u> hospital
<u>in</u> prison [در زندان]	<u>in</u> a book	<u>in</u> the picture
<u>in</u> the middle [در وسط]	<u>in</u> a line [در یک صف]	<u>in</u> a country

کاربردهای حرف اضافه on	
بر روی (با داشتن تماس)	<u>on</u> the table / <u>on</u> the desk
جهت، سمت	<u>on</u> the left [سمت چپ] / <u>on</u> the right [سمت راست]
صفحه	<u>on</u> page 5
رادیو، تلویزیون	<u>on</u> TV / <u>on</u> the radio
طبقه ساختمانی	<u>on</u> the second floor
قبل از تلفن	<u>on</u> the phone

❖ برخی از کاربردهای دیگر (on) برای مکان در کتابهای درسی و در حد کنکور:

<u>on</u> a chair	<u>on</u> the wall [بر روی دیوار]
<u>on</u> the ground [بر روی زمین]	<u>on</u> the way [در راه]
<u>on</u> the floor [کف اتاق]	<u>on</u> the bus
<u>on</u> the train	<u>on</u> the table
<u>on</u> the farm [بر روی مزرعه]	<u>on</u> the map [بر روی نقشه]

## موارد کاربرد (next to) {کنار، جنب} برای مکان:

کاربرد این حرف اضافه از معنی آن مشخص است و مشکلات حرف های اضافه بالا را ندارد.

**next to** police station / **next to** the post office / **next to** the hospital  
**next to** the window / **next to** the drugstore

نکته: به جای حرف اضافه next to میتوان از معادل‌های آن یعنی **near, by, beside** هم استفاده کرد.

## موارد کاربرد (in front of) {جلوی} برای مکان:

کاربرد این حرف اضافه هم، مانند **next to** از معنی آن مشخص است و مشکلات حرف های اضافه بالا را ندارد.

**in front of** the hospital / **in front of** the post office / **in front of** police station  
**in front of** the drugstore / **in front of** the window

نکته اضافی: حروف اضافه (at)، (under زیر)، (over روی)، (behind پشت)، (at / in the back of) و (between بین)، (among ما بین)، برای مکان استفاده می شوند.

→ **at** home / **at** work / **at** school / **at** the station / **at** the airport / **at** the seaside

→ **under** the desk / **under** table / **under** the bed / **under** the water

→ **over** the table / **over** the door / **over** the body (بدون تماس)

→ **behind** a chair / **behind** the door / **behind** the car

→ **between** Rasht and Tehran / **between** the two countries (بین دو اسم)

→ **among** the students / **among** the animals (ما بین چندین اسم)

**At** Azadi Street.

نکته: حرف اضافه مربوط به آدرس at میباشد.

**by** car - **by** bus

نکته: حرف اضافه مربوط به وسائل نقلیه by میباشد.

## Notes:

## قید های حالت : Adverbs of manners

حالت، چگونگی و نحوه انجام فعل (اصلی) را نشان می دهد. قید های حالت با اضافه کردن (-ly) به آخر صفت درست می شوند.

### محل قید حالت در جمله:

(۱) بعد از فعل و مفعول

(۲) قبل از فعل اصلی جمله

He **drives** his car **carefully**.

او ماشینش را با دقت میراند.

فعل مفعول قید حالت

The tourists **spoke** English **perfectly**.

گردشگرها به طور عالی انگلیسی صحبت کردند.

فعل مفعول قید حالت

An airplane is **quickly** flying in the sky.

هواپیما به سرعت در آسمان در حال پرواز کردن است.

فعل قید حالت

صفت	معنی	قید حالت	معنی	صفت	معنی	قید حالت	معنی
slow	کند	slowly	به کندی	final	آخر	finally	سرانجام
bad	بد	badly	به بدی	real	واقعی	really	واقعاً
easy	آسان	easily	به آسانی	rude	پر رو	rudely	با پر رویی
happy	خوشحال	happily	با خوشحالی	polite	مؤدب	politely	مؤدبانانه
comfortable	آسوده	comfortably	به راحتی	possible	ممکن	possibly	احتمالاً
probable	احتمالی	probably	احتمالاً	audible	شنیدنی	audibly	با صدای رسا

قید های حالت بی قاعده: برخی از صفت ها و قید ها به یک شکل هستند. یعنی در حالت قیدی، -ly نمی گیرند.

صفت	معنی	قید حالت	معنی
fast	سریع	fast	به سرعت
hard	سخت	hard	به سختی
good	خوب	well	به خوبی
late	دیر	late	با تأخیر
right	صحیح	right	به درستی
wrong	غلط	wrong	به طور اشتباه
early	زود	early	به زودی
high	بلند	high	در بالا
straight	مستقیم	straight	بطور مستقیم
free	مجانی	free	به طور مجانی
loud	بلند	loud / loudly	با صدای بلند

Reza is a **hard** worker. He works **hard**.

رضا کارگر سخت کوشی است. او به سختی کار میکند.

صفت قید حالت

Ali is a **fast** driver. He drives **fast**.

علی راننده سریعی است. او به سرعت رانندگی میکند.

صفت قید حالت

## نکته های اضافی در مورد قید ها :

در اکثر کلمات، اگر (-ly) به آخر اسم اضافه شود آن کلمه صفت است. برای فهم بیشتر به نکات زیر توجه شود.

۱) کلماتی که -ly دارند و به اسم افزوده می شوند و صفت محسوب می شوند عبارتند از:

صفت	معنی	صفت	معنی
friendly	صمیمی	manly	مردانه
lovely	دوست داشتنی	curly	فرفری
costly	گران بها	earthly	زمینی
cowardly	ترسو	sisterly	خواهرانه
heavenly	بهشتی	chilly	سرد
womanly	زنانه	brotherly	برادرانه

۲) صفت هایی که مثل قید ها، در خود کلمه -ly دارند، اما صفت محسوب می شوند عبارتند از:

ugly [زشت]

holy [مقدس]

silly [احمق-احمقانه]

نکات اضافی در مورد املائی قید ها : موقع افزودن -ly به آخر صفت، در برخی از کلمات، یک سری تغییرات املائی صورت می گیرد.

lazy → lazily

happy → happily

تبدیل y به i

comfortable → comfortably

حذف e از آخر کلمه:

scientific → scientifically

economic → economically

تبدیل ic به ically

اکثر کلماتی که به حرف (e) ختم می شوند، موقع افزودن (-ly)، حرف (e) حذف نمی شود.

complete → completely

polite → politely

true → truly : استثناء

whole → wholly

اکثر کلماتی که به پسوند (-ful) ختم می شوند، موقع افزودن (-ly)، به شکل (-fully) نوشته می شود.

beautiful → beautifully

hopeful → hopefully

careful → carefully

full → fully : استثناء

اکثر کلماتی که به حرف (l) ختم می شوند، موقع افزودن (-ly)، به شکل (-lly) نوشته می شود.

formal → formally

final → finally

cruel → cruelly

### Notes:

---

---

---

---

---

1. When I was a child I ----- climb the trees easily but now I can't.  
a) might                      b) should                      c) can                      d) could
  2. A: Why isn't Ali in class?                      B: I don't know. He ----- be sick today.  
a) Can                      b) should                      c) may                      d) must
  3. Don't touch my school things. When I'm not at home, you ----- use my books.  
a) should                      b) could                      c) might                      d) can
  4. I don't allow you to leave the class. You ----- go out after doing your homework.  
a) should                      b) must                      c) may                      d) will
  5. A: I'm going to be late for the bus, what ----- I do?                      B: You can take a taxi.  
a) can                      b) may                      c) should                      d) must
  6. All foreign passengers ----- present their passports at the airport.  
a) should                      b) must                      c) can                      d) cloud
  7. A: Why isn't Raman at home?                      B: I'm not sure. He ----- be in the library.  
a) can                      b) must                      c) might                      d) should
  8. A: ----- I borrow your pen?                      B: Yes, of course.  
a) Should                      b) would                      c) Must                      d) Can
- 
9. She's a good writer. She writes interesting novels -----.  
a) good                      b) well                      c) quiet                      d) worse
  10. My brother is a fast driver. He always drives -----.  
a) fast                      b) good                      c) slowly                      d) polite
  11. The teacher didn't ask an easy question. I answered it -----.  
a) quick                      b) good                      c) easy                      d) hard
  12. Ali spoke with the tourists well. Actually, he answered all their questions -----.  
a) good                      b) polite                      c) politely                      d) carelessly
- 
13. Always I go to the park ----- the sunset to walk and do exercise.  
a) in                      b) at                      c) to                      d) on
  14. When I was ----- work yesterday, I had an important phone call.  
a) in                      b) at                      c) on                      d) to
  15. The children are ----- home this morning.  
a) to                      b) in                      c) at                      d) on
  16. We will go to Shiraz ----- Mordad 20, 1396.  
a) on                      b) in                      c) to                      d) at
  17. They will visit their cousins -----the holiday ----- spring.  
a) on – in                      b) in – in                      c) on – at                      d) at – in
  18. Are you going to visit your grandmother ----- your birthday ----- Khordad.  
a) in – in                      b) in – on                      c) on – in                      d) at – in
  19. I always go to the gym ----- noon ----- the weekdays.  
a) at – on                      b) at – in                      c) at – at                      d) in – in
  20. Next year, we will be ----- Korea ----- holiday.  
a) in – in                      b) in – on                      c) in – at                      d) at – in



**شیوه کلی حل تستهای گرامر:** عموماً برای حل تستهای گرامر ابتدا به گزینه های سؤال نگاه کرده و سعی میکنیم گرامر مربوطه را حدس بزنیم، آنگاه به قبل و بعد از جای خالی نگاه کرده و به دنبال نکته مربوطه در آن گرامر، برای به دست آوردن پاسخ صحیح، میگردیم.

### پاسخنامه تستهای آموزشی و دستگرمی گرامر درس ۴ (پایه دهم):

- ۱- (d) توانایی انجام کار در گذشته را با فعل ناقص could نشان می دهیم.
- "وقتیکه بچه بودم میتوانستم به آسانی از درختان بالا بروم اما الان نمیتوانم."
- ۲- (c) وجود جمله I don't know بیانگر "احتمال" است. برای نشان دادن احتمال از may استفاده میکنیم.
- "چرا علی در کلاس نسبت؟ - نمیدونم. شاید امروز مریض باشد."
- ۳- (d) برای اجازه گرفتن از can و may استفاده میکنیم.
- "به وسائل مدرسه ام دست نزن. وقتی در خانه نیستم تو اجازه داری از کتابهایم استفاده کنی."
- ۴- (c) برای اجازه گرفتن از can و may استفاده میکنیم.
- "من به تو اجازه نمیدهم که کلاس را ترک کنی. وقتی که تکالیفت را انجام دادی، اجازه داری بیرون ببری."
- ۵- (c) برای پیشنهاد و توصیه از should استفاده میکنیم.
- "- داره برای اتوبوس دیرم میشه. چکار باید بکنم؟ - تو میتوانی تاکسی بگیری."
- ۶- (b) برای اجبار شدید و قانون و مقررات از must استفاده میکنیم.
- "همه مسافران خارجی باید پاسپورتهایشان را در فرودگاه ارائه دهند."
- ۷- (a) وجود جمله I'm not sure بیانگر "احتمال" است. برای نشان دادن احتمال از may استفاده میکنیم.
- "- چرا رامان در خانه نیست؟ - مطمئن نیستم. شاید در کتابخانه باشد."
- ۸- (d) برای اجازه گرفتن از can و may استفاده میکنیم.
- "- میتونم (اجازه دارم) از خودکارت استفاده کنم؟ - بله، البته."

۹- (b) برای نشان دادن حالت و چگونگی انجام فعل جمله از قید حالت استفاده میکنیم که محل آن معمولاً بعد از فعل و مفعول جمله میباشد.  
 "او نویسنده خوبی است. او رمان های جالبی را به خوبی مینویسد."  
 She writes interesting novels well.  
 قید حالت      مفعول      فعل

۱۰- (a) در جای خالی به قید حالت نیاز داریم. تنها قید حالت در بین گزینه ها fast میباشد. (صفت fast هنگام تبدیل شدن به قید حالت ly نمیگیرد).  
 "برادرم راننده سریعی است. او همیشه به سرعت رانندگی میکند."  
 He always drives fast.  
 قید حالت فعل

۱۱- (d) در جای خالی به قید حالت نیاز داریم. تنها قید حالت در بین گزینه ها hard میباشد. (صفت hard هنگام تبدیل شدن به قید حالت ly نمیگیرد).  
 "معلم سوال آسانی را نپرسید. من آن را به سختی جواب دادم."  
 I answered it hard.  
 قید حالت مفعول فعل

۱۲- (c) در جای خالی به قید حالت نیاز داریم. (حذف گزینه b و a). با توجه به معنی جمله اول، جواب فقط گزینه c میباشد.  
 "علی با گردشگران به خوبی صحبت کرد. در واقع او همه سؤالات آنها را مؤدبانه جواب داد."

- ۱۳- (b) حرف اضافه مربوط به طلوع و غروب آفتاب at است.
- ۱۴- (b) حرف اضافه مربوط به work (سر کار) at است.
- ۱۵- (c) حرف اضافه مربوط به home (در منزل) at است.
- ۱۶- (a) حرف اضافه مربوط به تاریخ on است.
- ۱۷- (a) حرف اضافه مربوط به تعطیلی on و حرف اضافه فصلها in میباشد.
- ۱۸- (c) حرف اضافه مربوط به روز تولد on و حرف اضافه ماه ها in میباشد.
- ۱۹- (a) حرف اضافه مربوط به ظهر و نصف روز at و حرف اضافه روزهای هفته on میباشد.
- ۲۰- (b) حرف اضافه مربوط به کشورها in و حرف اضافه تعطیلی on میباشد.